

# چالش‌های اقتصادی ایالات متحده آمریکا با نگاهی به آینده

## نشست تخصصی

بحث افول هژمونی ایالات متحده به عنوان موضوع همایش افول که پیش رو است، شاید خیلی مورد پذیرش مجامع تخصصی نخبگانی قرار نگیرد ولی نشانه‌های آن مشهود است و مقام معظم رهبری نیز طی چند سال اخیر، با کلیدواژه‌های گوناگونی به آن اشاره کرده‌اند. همچنین اتفاقاتی که در عرصه داخلی ایالات متحده و نظم جهانی رخ می‌دهند، یک گزاره واقعی را نه تنها در ادبیات کارشناسان ما بلکه در مطالب سیاستمداران و اقتصاددانان غربی تداعی می‌کنند؛ بنابراین انتظار می‌رود که در آینده، این اتفاقات بیشتر شوند؛ بنابراین می‌بایست در این مورد، با دقت بیشتری به بررسی آن پرداخته شود. همایش افول آمریکا نیز در همین راستا است که به‌دوراز گزاره‌های شعاری، به صورت علمی، واقعیات را بررسی خواهد کرد.



مسافرت این کار را انجام می‌دانند اما امروزه فضای مجازی به عنوان یک ابزار، در حال ایجاد یک شناخت یکپارچه براساس یک استاندارد بین‌المللی تعیین شده برای همه است. رویارویی جوانان با این فضا، آنان را متمایل به آمریکا می‌کند و یا از دنیای واقعی خارج می‌کند؛ بنابراین آنان در فضای دیگری سیر می‌کنند. یکی از بحث‌هایی که در رابطه با استقلال طلبی ما مطرح می‌شود، این است که ما به دنبال یک نسخه پایدار هستیم و از طرفی، آمریکا نیز در حال افول است. دیگر این روند ادامه نخواهد داشت و در آینده، جهان، طور دیگری می‌شود. عقل نیز می‌گوید که باید نسبت به آینده، نگاه و تدبیری داشته باشیم. از این زوایا است که به موضوع آمریکا می‌پردازیم.

### رسانه پایداری آمریکا بر نظم جهانی

عاملی که سبب شده است آمریکا تا به امروز پابرجا بماند، بیشتر رسانه آن است تا اقتصادش؛ آن خبر و اطلاعاتی که از خود به جهان مخابره می‌کند و حتی اقتصادش را نیز با این موضوع پیش می‌برد، همه چیز

دکتر طه رمضان؛ مدیرکل دفتر سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی اشتغال و کارآفرینی وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی: رسانه، عوامل ابرقدرتی آمریکا است نه اقتصاد / آمریکا یک واقعیت ذهنی ساخته شده به وسیله رسانه‌ها است.

اینکه ما به افول آمریکا پردازیم، دلیلش تنها خود آمریکا نیست بلکه دلیلش این است که می‌خواهیم مستقل باشیم. وقتی صحبت از استقلال و هویت محلی می‌شود، مجموعه سلطه‌گر تلاش می‌کند خود را به عنوان هویت همگانی مطرح کند؛ بنابراین پرداختن به مسئله آمریکا، از تبعات بحث استقلال است؛ نه اینکه خود آمریکا موضوعیت داشته باشد. در واقع، ما سلطه آمریکا را نفی و خود آمریکا را نقد می‌کنیم. هر ایجابی، نیازمند یک نقد و نفی است. اول باید این رویکرد را نقد و نفی کرد و سپس دیدگاه ایجابی خود را مطرح کرد. از طرفی، اگر به آمریکا پرداخته نشود و موضعی در قبال آن گرفته نشود، استقلال بی‌معنا می‌شود و نیازی به طرح بحث استقلال نیست. خیلی از افراد نیز بحثشان همین است. آنان عقیده دارند عاقل کسی است که با سلطه‌گر، همکاری کند و منافعشان از این راه حاصل می‌شود؛ بنابراین کشورهایی را که از استقلال حمایت می‌کنند را نقد می‌کنند؛ در حالی که ما عقیده داریم که این نوع عقلانیت، عقل ابزاری و تنها برای برطرف کردن نیازهای مادی است و نمی‌تواند برای افراد، یک زندگی بلندمدت را در نظر بگیرد و هویت خاصی را تعریف کند؛ بنابراین از این حیث به آمریکا می‌پردازیم. پیش‌تر اگر جوانان کشور می‌خواستند با کشورهای دیگر آشنا شوند، از راه رسانه‌های صوتی، تصویری یا

است. این دوقطبی به این دلیل است که مردم متوجه نشوند که نظام سیاسی آنها تا چه اندازه ضعیف است. در واقع به این صورت که بعد از ناتوانی حزب «الف» در اداره امور، به حزب «ب» فکر کنند؛ در حالی که نظام سیاسی، نیازمند «ثبات و وحدت» است. در واقع با دوقطبی، جامعه را گرفتار و درگیر کرده‌اند؛ بنابراین نمی‌توان گفت که نظام سیاسی آمریکا، قدرتمند و تمدن‌ساز است بلکه تنها می‌توانند در یک برهه زمانی، مردم یک سرزمین را سرگرم کنند و آن‌ها را در قالب دیدگاه‌های متعارض در مقابل هم قرار دهند.

### ضعف نظام فرهنگی در آمریکا

اگر ملتی بخواهد رشد کند، نیازمند «هویت بخشی» است ولی اگر بخواهند ملتی را تنها سرگرم نگه دارند، هویت‌ها را از آن‌ها می‌گیرند. اگر آمریکا زبان رسمی داشته باشد، باید براساس آن زبان، سابقه و تمدنش عمل کند؛ برای مثال در کشور ما، مقام معظم رهبری بیان می‌کنند که زبان ما فارسی است و در ۵۰ سال آینده، باید زبان علمی برتر دنیا شود. این زبان، شاعر، متفکر، زاویه نگاه، فرهنگ و سبک خاص خود را در برقراری روابط اجتماعی دارد ولی در آمریکا این مسائل وجود ندارند. این بزرگ‌ترین دزدی هویت از یک ملت است؛ زیرا اگر هویت اصیل بخواهند، شروع به پرسش در مورد مبنای تمدنی آن می‌کنند. تمدن غرب نمی‌خواهد به این مسائل پاسخ دهد و تنها مسئله اقتصاد را برجسته می‌سازد؛ بنابراین آمریکا نظام فرهنگی ضعیفی دارد.

را وارونه‌نمایی می‌کند؛ برای مثال، ادعا می‌کنند که با دین‌کاری ندارند اما این اقداماتشان در قالب یک مکتب و دین است که می‌توانیم به آن یک رویکرد یا آیین بگوییم. در واقع، اخباری که از خودش به ما می‌دهد و تصویری که برای ما ایجاد می‌کند، باید سؤال برانگیز باشد. نباید آن تصویر را باور کرد و حتی نباید اجازه دهیم که برای ما نیز تصویرسازی کنند.

واقعیت آمریکا در حد ادعا است

طی سال‌های ۴۲ تا ۵۷ شمسی و سپس در سال‌های اوج مبارزه حضرت امام و بحث انقلابی که مطرح شد و ایشان مرتب حول محور اصول و آرمان‌های انقلاب بحث می‌کردند، در آن زمان، آمریکا بعد از جنگ جهانی دوم، به دنبال گسترش سلطه‌اش بود و در همان مقطع نیز آمریکا برای فردی مثل حضرت امام، ابرقدرتی نبود. ایشان می‌فمودند که آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند؛ بنابراین در نظر امام، آمریکا اصلاً ابرقدرتی نبود که بخواهد افول کند اما چه اتفاقی افتاد که عموم مردم، به ابرقدرتی آمریکا اعتقاد پیدا کردند و در مقابل، عقیده دارند که ما ابرقدرت نیستیم. این در واقع همان اتفاق ذهنی یا جنگ شناختی است که برای ما ایجاد شده است و ما پذیرفته‌ایم که آمریکا ابرقدرت است و صاحب فناوری‌های فوق‌العاده پیشرفته است، مسائل و مشکلاتش را به طور کامل حل کرده است و سایر کشورها نیز برای رفع مشکلاتشان می‌بایست از آن‌ها الگو، تبعیت کنند.

### نظام سیاسی آمریکا دوقطبی است

نظام سیاسی آمریکا در قالب دموکراسی، همواره با حالتی دوقطبی جمهوری خواه / دموکرات پیش رفته

### مبنای نظام حقوقی، تبلیغ رسانه‌ای است

از لحاظ جایگاه حقوقی، آنچه در رسانه‌ها بازتاب می‌شود، یک نظام حقوقی قدرتمند است که همه مردم می‌توانند در دادگاه‌های مختلف و در لایه‌های حقوقی، حقوق فردی‌شان را به دست آورند. نظام حقوقی که در ایالات متحده توسط رسانه تبلیغ می‌شود و مردم را در اعطای حق و حقوق و آزادی‌های فردی فریب می‌دهند. شاید برخی افراد موفق شوند حقوق خود را بگیرند اما عمومیت ندارد.

### آمریکا؛ نظامی مبتنی بر ناامنی

اگر آمریکا یک کشور امن است، چرا عموم مردم برای حفظ امنیت خود، سلاح تهیه می‌کنند؟ بنابراین این جامعه یک نظام مبتنی بر ناامنی و فروش سلاح است. این ناامنی اجتماعی و بی‌اعتمادی را حتی میان همسایگان یک محله نسبت به یکدیگر ایجاد کرده‌اند و این به معنای فروپاشی نظامات اجتماعی است. در اخبار روزانه نیز آمار کشته‌شدگان با سلاح گرم مشهود است ولی وزن آن را در اذهان عمومی کم، جلوه می‌دهند.

همواره این سناریو در چنین جامعه‌ای مطرح است که مردم، روزی از سلاح‌های خود در برابر دولت استفاده نمایند ولی از نظر ما این‌گونه نیست؛ چراکه وقتی فردی برای تأمین امنیت خود، سلاح می‌خرد، از شخصی که سلاح قوی‌تر از خودش دارد، می‌ترسد؛ بنابراین همواره سلاح دولت از عموم قوی‌تر است؛ بنابراین نه تنها نظام امنیتی داخلی آن ضعیف است بلکه در سایر کشورها نیز عامل ناامنی هستند. آمریکا به

لحاظ امنیتی نیز ساختار لازم را ندارد. آمریکایی‌ها یک نیروی نظامی واقعی نیستند بلکه کارهایشان جنبه نمایشی دارد.

فقرو نابرابری، شاکله داخلی اقتصاد آمریکا است اقتصاد آمریکا با همه درآمد ناخالص بالایی که دارد، باید به این نکته توجه شود که آیا معیشت همه مردمش تأمین شده است و آیا همه مردم در آنجا توانسته‌اند از پس معاش و تدبیر زندگی خود برآیند؟ بی‌شک جواب خیر است؛ چرا که آمارهای مربوط به فقر و نابرابری، این فرضیه را رد می‌کند. در واقع آن چیزی که جایگاه آمریکا را در ذهن‌ها بالا برده است، رسانه است. رسانه یک واقعیتی را از آن چیزی که وجود ندارد، با اغراق، تداعی می‌کند. تصویری بسیار شفاف از آمریکا در ذهن‌های ما است. هرکسی که آزادانه و مبتنی بر شناخت عمل کند، این تصویر برایش رنگ می‌بازد و به فکر تصویرسازی دیگری می‌رود که بر اساس واقعیت باشد و راه آینده را شفاف سازد.

آمریکا به پایان خودش نزدیک می‌شود. آمریکا یک واقعیت ذهنی ساخته شده به وسیله رسانه‌ها است. آمریکا آن قدر دچار مشکلات و چالش‌ها شده است که می‌توانیم آن را تمام شده بدانیم.

وقتی فردی مثل بایدن، رئیس‌جمهور می‌شود، به این معنا است که آمریکا به انتهای خود رسیده است. با وجود اینکه بسیاری از مردم، این مسئله را نمی‌توانند باور کنند و حتی حرف‌های جناح مقابل بایدن مبنی بر شکست سیاست‌های آمریکایی را نمی‌پذیرند اما واقعیت به گونه دیگری است. امید است که بتوانیم با تصویرسازی و شناخت واقعی از آمریکا، آینده‌ای



### تضاد درونی تمدن غرب در مقابل وحدت درونی گفتمان الهی

نظام فکری آمریکا که مبتنی بر مادیات و قطع ارتباط میان مسائل مادی و معنوی است، دچار تضاد درونی است. سلطه، هرچقدر هم که ساختاریافته و قدرتمند باشد، سرانجام فرومی‌ریزد؛ چراکه سنت الهی، بر تداوم سلطه نیست. عمر قدرت اقتصادی آمریکا بیش از ۱۰۰ سال نیست و از اوایل ۱۹۰۰ شروع شده است. در این مدت، پیاپی در سال‌های ۱۹۳۰، ۱۹۷۰ و... بحران‌های اقتصادی نیز داشته‌اند.

بحث ما این است که ما مثل آن‌ها تضاد درونی نداریم. اگر برگفتمان صادقانه خود که مبتنی بر وحی است، اعتقاد و اعتماد داشته باشیم و در عمل به آن مستحکم باشیم، بی‌شک این نظام پوشالی فروخواهد ریخت. ما در عرصه اقتصاد، در راه سنت الهی که ترویج حق است، حرکت می‌کنیم. حال ممکن است عیب و نقص‌هایی نیز داشته باشیم ولی مبنای اعتقادمان بروحی است. گفتمان غربی

را برای خودمان ترسیم کنیم و نباید منتظر جمع‌بندی کشورهای جهان، با محوریت آمریکا بمانیم.

### دکتر کریمی بیرانوند؛ معاون اشتغال و کارآفرینی وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی:

بر مبنای گفتمانی که از حضرت امام آموخته‌ایم، مبارزه با استکبار هرچقدر هم که سخت باشد، بایستی پیوسته باشد و به آن پرداخت. مهم‌ترین شاخص یک فرد انقلابی، تقابل با آمریکا است؛ چراکه نماد و تجسم استکبار است. این انقلابی‌گری، زمانی در راه درست است که اعتقاد به وحی وجود داشته باشد؛ بنابراین حرکت‌های انقلابی مارکسیستی یا سوسیالیستی، با اینکه جوهره اولیه مبارزه با استکبار را دارند اما در راه مطلوبی قرار ندارند.

امروزه در محافل علمی و دانشگاهی، مطرح کردن اندیشه غالب، تضعیف در برابر نظام سلطه و لیبرالیستی، چندان محلی از اعراب ندارند. بیشتر اعتقاد دارند که آمریکا بیش از یک چهارم GDP جهان را تشکیل می‌دهد، پول ملی آن به روایتی ۶۰٪ و به روایت دیگری ۸۰٪ یا ۵۰٪ است. آمریکایی که در شرق و غرب عالم حضور دارد، افول نکرده است اما چرا می‌گوییم که اقتصاد آمریکا دچار چالش شده است؟ چرا که جسارت، وجود دارد و انقلابی هستیم؛ بنابراین این مسئله را مطرح می‌کنیم و ابعاد آن را تشریح می‌نماییم و آن قدر استقامت داریم که آن را از بین ببریم. این وظیفه ما است که این مسائل را روشن نماییم. بایستی حفره‌های این قدرت را پیدا کنیم و آن قدر در آن‌ها کنکاش کنیم تا تبدیل به چاله‌های بزرگی شوند و این نظام از پایه و اساس فروبریزد.

سلطه نظام اقتصادی و نظامی آمریکا (با در نظر قرار گرفتن این پیش فرض که اقتصاد از سایر حوزه‌ها جدا نیست و یا اینکه ورزش کاملاً مسئله‌ای سیاسی است)، فارغ از بحث‌های ایدئولوژیک و اعتقادی، عامل ترس کشورها است؛ برای مثال اگر از کشورهای حاشیه خلیج فارس بخواهند از وضعیت سیطره آمریکا خارج شوند، بی‌شک به علت پایگاه‌های نظامی فراوان و امنیت آمریکایی حاکم بر آن‌ها، بی‌درنگ از این کار پشیمان می‌شوند یا برای مثال کشوری مثل آلمان یا

در واقع با سنت الهی در تناقض است و این تناقض‌ها در جهان مشخص هستند. قدرت امروز ایالات متحده به اندازه ۲۰ سال پیش نیست. نظام مارکسیستی که تضاد با سنت‌های الهی است، در حال فروپاشی است. این مسائل کاملاً علمی است و جنبه شعاری ندارند.

### درهم تنیدگی فرهنگ، اقتصاد و سیاست آمریکا



ژاپن با چه ابزاری می‌خواهند با آمریکا مبارزه کنند؟ این کشورها خود را همسوبا پیشرفت‌های اقتصادی آمریکا کرده‌اند و این نکته را پذیرفته‌اند که در پارادایم فکری اقتصادی آمریکا رشد کنند وگرنه توانایی مبارزه با اقتصاد آمریکا را ندارند ولی ما این توانایی را داریم که با استکبار جهانی مبارزه نماییم؛ چراکه توان نظامی / امنیتی بالایی داریم و از استقلال برخوردار هستیم؛ ازاین‌رو نظامات اقتصادی از نظام‌های فرهنگی، امنیتی، اجتماعی و سیاسی جدا نیست؛ بنابراین نظام اقتصادی آمریکا کاملاً برگرفته از نظامی سیاسی و فکری آن‌ها است. از طرفی اگر نظام فرهنگی آمریکا مبتنی بر توسعه فرهنگ ضدانسانی نباشد، فرومی‌باشد؛ برای مثال چرخه تولیدات مشروبات الکلی در آمریکا، یک نظام اقتصادی بزرگ برگرفته از یک نظام فرهنگی است؛ بنابراین این درهم‌تنیدگی‌شان مشهود است. وحدت‌گرایی ایرانی در مقابل کثرت‌گرایی آمریکایی نظام اقتصادی آمریکا، به علت نداشتن وحدت اجتماعی، به لحاظ فرهنگی و هویتی، به شکل کشوری متکثر درآمده است. ویژگی اجتماعی آنها مشخص نیست؛ برای مثال زبان رسمی ندارد. هویت فرهنگی یا اجتماعی اصیلی ندارد و یکی از دلایلی که در جامعه آمریکا، شورش‌های اجتماعی شکل نمی‌گیرد، به خاطر این است که وحدتی وجود ندارد که بخواهند در مقابل نظام سیاسی بایستند اما در کشور ما وحدت تفکر انقلاب است. به همین دلیل، راهپیمایی روز قدس که یکی از نمونه‌های آن است، هر سال با جمعیت بیشتری برگزار می‌شود. در واقع

این یک نمونه از وحدت اجتماعی، هویتی و سیاسی است که در آمریکا مصداق ندارد و امکان پذیر نیست. تضعیف رژیم صهیونیستی به معنای افول آمریکا فروریختن نظام اقتصادی آمریکا از دریچه از بین رفتن رژیم جعلی اسرائیل اتفاق خواهد افتاد. اگر تصور کنیم که نظام صهیونیستی در منطقه از بین برود، کشورهای مسلمان از پاکستان گرفته تا خود اسرائیل، همه یکپارچه با هم حول محور قدس وحدت می‌یابند. حال اگر بر اساس تصویری که داشتیم، رژیم صهیونیستی از میان برود، پایگاه‌های نظامی آمریکا ناامن می‌شوند، نظامات سیاسی / امنیتی آمریکا در منطقه به هم می‌ریزد و منطقه با محوریت قدس یکپارچه می‌شود؛ بنابراین با نابودی رژیم، تمامی استعمار منطقه استراتژیک غرب آسیا و شمال آفریقا توسط آمریکا از بین خواهد رفت. دلیل اینکه ایالات متحده، هزینه‌های زیادی را صرف بودن اسرائیل در منطقه می‌کند، به این علت است که تمام پایه‌های نظامات اقتصادی اش در این منطقه قرار دارد.

البته تضعیف رژیم در منطقه شروع شده است و نمی‌توانند جلوی آن را بگیرند. شهادت شهید سلیمانی، توسعه گفتمان از بین بردن اسرائیل در منطقه را چند صد برابر کرده است و این یک اشتباه استراتژیک از نظام سلطه بود و عامل وحدتی قدرتمند در منطقه شد و حتی نفوذمان در منطقه، افزایش یافت. شهادت ایشان در منطقه، همه چیز را تغییر و عمق استراتژیک ما را در منطقه افزایش داده است.

## نشانه‌هایی دیگر از افول آمریکا

ما روزانه در حال قدرتمندتر شدن و جذب متحدین هستیم و این مسئله، چالش‌های اقتصادی آمریکا را قابل باور می‌کند. حوزه نفوذ جمهوری اسلامی به لحاظ فرهنگی، دینی، اعیاد و نشانه‌های دینی، با ده سال گذشته، قابل قیاس نیستند. هرمتغیری که جمهوری اسلامی ایران، در ذات انقلابی‌گری خود دنبال کرده، قدرتمندتر شده است، هرچند آن قدری که انتظار می‌رود، سرعت پیدا نکرده است.

امروزه، وضعیت به‌گونه‌ای است که رئیس‌جمهور سوریه به فرانسه برای زیرپا گذاشتن حقوق مردمش هشدار می‌دهد و این‌ها همه نشانه‌های قدرت و نفوذ ما هستند. پیام حضرت آقا به جوانان اروپایی و آمریکایی نیز از این دست هستند؛ بنابراین ما از لحاظ اقتصادی و نفوذ استراتژیک، در حال قدرتمندتر شدن هستیم و در تشکیل جبهه تقابل با آمریکا، به‌ویژه در این دولت، به شدت در حال پیشرفت هستیم.

وضعیت به‌گونه‌ای است که آمریکا با آن نظام عظیم اقتصادی، ۱۵ سال است که تلاش می‌کند با ما مذاکره کند. از سال ۸۹ به بعد، تلاش زیادی کردند که ما را از بین ببرند و بعد از آن همه فشار اقتصادی، دوباره پیشنهاد مذاکره را مطرح ساختند.

«ریچارد نفیو» در کتاب «هنر تحریم‌ها» بیان می‌کند که کشورهایی مثل عراق پس از تحریم‌های آمریکا، فوری تسلیم شدند ولی کشور ما تسلیم نشد. نکته این است که متغیرهای مذاکره ما با ابرقدرت اقتصادی دنیا با همه ابزارهایش به این شکل درآمدی است و این‌ها نشانه قدرت ما است.

نشانه‌های اقتصادی افول خود نظام آمریکا نیز در حال مشهود شدن است. مسئله بدهی آمریکا که مطرح است و تا به امروز نظام اقتصادی آمریکا بر مبنای پول قدرتمند دلار سرپا ایستاده است؛ بنابراین اگر این پول بین‌المللی، مورد تعارض قرار گیرد، نظام اقتصادی آمریکا تضعیف خواهد شد و البته به‌تازگی به صورتی جدی، مورد تهدید قرار گرفته است و کشورها این جرئت را پیدا کرده‌اند که دلار را کنار بگذارند.

نشانه بعدی افول، تشکیل جبهه شرقی متشکل از کشورهای شرق و غرب آسیا برای مقابله با نظام اقتصاد آمریکا است؛ به این صورت که حتی گرایش اقتصادی کشورهای حاشیه خلیج فارس، به اقتصاد شرق آسیا بیشتر شده است.

نشانه بعدی افول، طی یک دهه اخیر روی کار آمدن سردمداران بی‌کفایت آمریکایی است. حضرت آقا نیز اشاره فرمودند که دولت، به دولت سطح سردمداران آمریکا کاهش پیدا می‌کند و این نشانه افول است که بایدن را که سلامت عقل ندارد و کارهای عجیبی انجام می‌دهد را به عنوان رئیس‌جمهور مشخص کرده‌اند؛ بنابراین وظیفه ما این است که پیوسته در رابطه با افول آمریکا در عرصه‌های مختلف، صحبت کنیم و در این میان، به استدلال‌های آمریکایی توجه نکنیم؛ چرا که وقتی در مورد این موضوع تمرکز زیادی ایجاد شود، احتمال به وقوع انجامیدنش بالاتر خواهد رفت.